



ادبیات داستانی و روشنفکران عصر مشروطه

منور الافکران

موطایبها را ترجیح می دهند



اشاره
از آغاز رویارویی جامعه ایران با پدیده تجدد،
مفهوم روشنفکر و هنرمند یا نوعی سیاست زدگی
همراه شد. انگار تنها کسانی به چیرگی ادبیات و
هنر روشنفکر و ملاحظات طبقه بورژوا محور یا زائر آثارشان
می نوشتند و تلاش می یافتند که آثار سیاسی
بود. هرگونه تلاش اجتماعی نیز به ناچار به نوعی
ر ادیکالیسم می انجامید. ریشه تاریخی مفهوم روشنفکر
آن چنان که نهایی آن بود. ریشه تاریخی مفهوم روشنفکر
هدف تفکر روسیه جای می گیرد. متفکران روس بیشتر در
سنت تفکر روسیه خود را از عصر پیرنگی اروپا وام می گرفتند و این
روشنفکر را که خود نماد منجی ای در آستانه و ادیبی و هنرمندی
مفهوم طلبی اجتماعی خود را به گوش توده های بررسی
نجات طلبی اجتماعی خود را به گوش توده های بررسی
پیام نجات بخش خود را به گوش توده های بررسی
سازندگان بی اختیار تاریخ اند. این نوشتار بررسی
کوتاهی است از تأثیرات روشنفکران شرق و غرب بر
ادبیات فارسی.

...در بررسی تاریخ ادب فارسی تا دهه‌های پایانی قرن سیزدهم قمری که سیطره ادبیات مدرن تدریجاً پدیدار شد و میراث ادبیات کلاسیک به حاشیه رانده شد، ادبیات نیز به همراه تطور تمدن ایران، فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرد.

در جهان‌بینی‌های مختلف رسوب یافته در آثار ادبی، می‌توان سرشت تاریخی مردم این سرزمین را که با عناصری از تعالیم قدسی و برخی ره‌آوردهای فرهنگ یونانی و مرده ریگی به جای مانده از ایران باستان و عرب جاهلی آمیخته است، مشاهده کرد. اما ادبیات در پیشینه تاریخی - فرهنگی مردم ایران بیشتر دارای مضامین حکمی، تعلیمی، دینی و عرفانی است و از زبانی تمثیلی و یا نمادین بهره گرفته است.

ادبیات کلاسیک فارسی پس از روزگار صفویه گونه‌ای افول را تجربه نمود. و شاعران و نویسندگان عصر بازگشت اگر چه کوشیدند تا دوره شکوفایی ادبیات کلاسیک را احیا نمایند، اما هرگز موفق به انجام آن نشدند.

در چنین وضعیت بحران زده و رو به زوالی، تمدن و ادب کلاسیک، تبدیل به ادبیاتی مبتنی بر مشهورات مدرنیستی و به صورت غالباً تقلیدی و با جوهری اساساً سطحی شد که در افواه و مقالات ژورنالیستی و ادبیات رسانه‌ای، ادبیات معاصر ایران نام گرفت. اگر چه معدود چهره‌های متعهد و آرمان‌گرای بوده‌اند که در زمان سیطره این ادبیات، رها از آفات روشنفکرانه و تجدد گرایانه آن، به گونه‌ای آرمان طلبانه به حیات ادبی خود ادامه داده‌اند.

نخستین دوره ادبیات غرب زده و مدرن ایران که مبدا تقریبی آغازش را می‌توان سال‌های دهه ۱۲۸۰ ق قرار داد، ادبیات مشروطه نامیده می‌شود. ادب مشروطه تقریباً اندکی پس از اصلاحات مدرنیستی میرزا جعفر خان مشیرالدوله و در نیمه اول دهه هفتاد هجری قمری

آغاز گردید و شاید

بتوان تالیف حکایت

«ستارگان فریب خورده»

توسط آخوند زاده به سال

۱۲۷۳ ق و یا با دقت نظر

بیشتر، برخی اشعار دساتیری

شاعری چون یغمای جندقی و یا

برخی اشعار میرزا علی اکبر طاهر

زاده صابر را نخستین جلوه‌های خام

آن دانست. بنابراین می‌توان زمان تقریبی

ادب مشروطه را از حدود ۱۲۸۰ ق تا ۱۳۲۴

ق (۱۲۴۰ ش تا ۱۲۸۵ ش) عنوان کرد.

این ادبیات که بیشتر در میان گروه‌های مختلف

کاست [طبقه] روشنفکری ایران و طیف اصلاح طلبان

مدرنیست دربار قاجاری و نیز بخش‌هایی از طبقه متوسط

شهری و سرمایه داران نوظهور این دوره نفوذ و مخاطب داشت، از

عوامل زمینه ساز ایجاد هژمونی کاذب منورالفکران بر نهضت مشروطه بوده است.

ویژگی‌های کلی ادبیات مشروطه

در ادبیات مشروطه نخستین کوشش‌ها در تقلید از مدل رمان نویسی اروپایی صورت گرفته است. به لحاظ محتوایی نیز تا حدود زیادی رویکرد انتقادی نسبت به مظاهر فساد و انحطاط قاجاری در این دوره دیده می‌شود. اما نویسندگان به گونه‌ای تعمدی و یا سهل انگارانه، بین سنت‌های قدسی و تعالیم دینی از یک سو و رسوم منجمد و ساختار فرتوت استبداد کلاسیک ایران تفاوتی نگذاشته و تحت لوای مبارزه با مظاهر فساد و انحطاط قاجاری، به سنت ستیزی و دین‌گریزی روی آوردند.

ادبیات مشروطه درونمایه‌های آشکار سیاسی و ناسیونالیستی را نیز در خود دارد. این ناسیونالیسم در

آراء اصلی‌ترین نمایندگانش یعنی آخوند زاده، طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، ادیب الممالک فراهانی و نیز در آراء ثنوری پرداز اصلی خود میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، صبغه ضد استعماری جدی

ندارد و در بسیاری موارد از کانال ترویج تجدد گرای سطحی، مبلغ سیطره استعمار سرمایه داری مدرن می‌گردد. این ناسیونالیسم باستان‌گرای شوونیستی [برتری طلبانه] بر مجموعه‌ای از ادعاهای مستشرقین فراماسونر و اغلب مامور دولت‌های استعماری



رحیم طالبوف

در ادبیات مشروطه نخستین کوشش‌ها در تقلید از مدل رمان نویسی اروپایی صورت گرفته است. به لحاظ محتوایی نیز تا حدود زیادی رویکرد انتقادی نسبت به مظاهر فساد و انحطاط قاجاری در این دوره دیده می‌شود.

مقبره کوروش



ادبیات مشروطه
 درونمایه‌های آشکار سیاسی و ناسیونالیستی را نیز در خود دارد. در بسیاری موارد از کانال ترویج تجدد گرایی سطحی، مبلغ سیطره استعمار سرمایه داری مدرن می‌گردد. این ناسیونالیسم باستان‌گرایی شووینیستی [برتری طلبانه] بر مجموعه‌ای از ادعاهای مستشرقین فراماسونر و اغلب مأمور دولت‌های استعماری بریتانیا و فرانسه قرن نوزدهم بنا شده است.

نخستین دوره ادبیات غرب زده و مدرن ایران که مبدا تقریبی آغازش را می‌توان سال‌های دهه ۱۲۸۰ ق قرار داد. ادبیات مشروطه نامیده می‌شود.

بریتانیا و فرانسه قرن نوزدهم بنا شده است. گیرشمن و گلدزید مورخ به همراه دیپلمات دست‌نشانده‌ای چون سر جان ملکم، بر پایه مجموعه‌ای از مفروضات نژاد پرستانه‌ای که چمبرلین و گوینو و برخی از شرق شناسان اوایل قرن نوزدهم فراهم کرده بودند، تئوری شووینیستی ناسیونالیسم باستان‌گرا را تدوین نمودند تا از آن به عنوان محملی تئوریک جهت رقابت با میراث اسلامی و رگه‌های فرهنگ و تمدن کلاسیک ایران استفاده نمایند.

ادبیات مشروطه به لحاظ شیوه نگارش، میل به ساده نویسی داشت و تلاش می‌کرد گروه عوام را به عنوان مخاطب خود در نظر بگیرد. منور الفکران مشروطه با این عمل می‌خواستند یک پایگاه ارتباطی بین خود و اکثریت مردم برقرار نمایند.

آثار ادبی این دوره عمدتاً تقلیدی از رمان‌ها یا رساله‌های سیاسی و مقالات ژورنالیستی غربی است. منور الفکران ایرانی از میرزا ابوالحسن خان ایلچی و میرزا صالح شیرازی گرفته تا میرزا ملکم و میرزا آقاخان و میرزا حبیب اصفهانی، آشنایی عمیقی با مبانی تمدن غربی نداشتند و یکسره دعوت به تقلید مظاهر و صفات و شئون عینی یا جلوه‌های ایدئولوژیک آن تمدن می‌نمودند. همچنین در آثار داستانی‌ای چون حکایت

یوسف شاه، کتاب احمد یا خلسه، ضعف مفروطی در تکنیک داستانی، شخصیت پردازی، روایت‌گری و توصیف وقایع و حوادث و در کل، رعایت مؤلفه‌های وجودی ساختار رمان دیده می‌شود. هیچ یک از آثار داستانی این دوره در معنای دقیق کلمه، مصداق رمان یا ناول نیستند.

زمینه سازان ادبیات مشروطه

میرزا فتحعلی آخوندزاده

آخوندزاده افسر ارتش تزاری و یکی از چهره‌های معروف روشنفکری زمینه‌ساز مشروطه است که آراء او توسط رهبران فراماسونر مشروطه ایران دنبال می‌شده است. او گرایش‌های شدید ضد اسلامی و ضد روحانی داشت و از تحقق نوعی رژیم سکولار - لیبرال مدرنیستی در ایران دفاع می‌کرد. از آثار مهم او می‌توان رساله الفبای جدید و مکتوبات کمال الدوله را نام برد.

آخوندزاده در فاصله سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۳ ق مجموعه شش نمایشنامه کم‌دی و یک داستان به نام ستارگان فریب خورده یا حکایت یوسف شاه را تالیف کرد که چند سال بعد توسط جعفر قراچه داغی به فارسی ترجمه و منتشر شد. او اشعاری نیز به زبان ترکی در اهانت به عزاداری محرم سروده است. آخوندزاده دیدگاه‌های فاجعه باری درباره تغییر الفبا و خط فارسی مطرح کرده بود که در صورت تحقق، منجر به قطع کامل ارتباط مردم با پیشینه فرهنگی و ادبی‌شان می‌گردید.

تنها اثر داستانی آخوندزاده به گونه‌ای بسیار ساده و سطحی نوشته شده و به لحاظ روایی و شخصیت پردازی داستانی، بسیار ضعیف و ابتدایی است.

ستارگان فریب خورده، داستان یک زندانی محکوم به اعدام به نام یوسف سراج است که تصادفی و برای مدتی کوتاه به جایگاه پادشاه به قدرت می‌رسد. این حکایت از ماجرای واقعی در عالم آرای عباسی اقتباس گردیده است.

در حکایت یوسف شاه، شخصیت روحانی داستان فردی ریاکار و ضد مردمی تصویر می‌گردد و یوسف سراج که نقش قهرمان مثبت اثر را بر عهده دارد، عامل اجرای ایده‌های مدرنیستی آخوندزاده است. با این که به نظر، ماجرا

آخوندزاده



مربوط به دوران صفویه است، اما فضا و حوادث به گونه‌ای انتخاب شده است که تداعی‌گر عقاید لیبرال - ناسیونالیستی آخوندزاده و تجدد گرایی سطحی مورد نظر اوست.

او دشمنی جدی و ویژه‌ای با میراث ادبی و عرفانی زبان فارسی دارد و از میان شاعران بزرگ ایران، فقط فردوسی را از تیغ انتقادات بی‌رحمانه خود در امان گذاشته است.

آخوندزاده ضمن انتقاد از گلستان

سعدی و برخی دیگر از آثار ادبی فارسی، به ستایش از فن درام و رمان می پرداخت و خود را طرفدار رئالیسم می دانست و در شعر و نثر، مقلد بلینسکی و دابرولیوبوف، از روشنفکران روسی معاصر خود بود.

عبدالرحیم طالبوف تبریزی

در دل روشنفکری دوره مشروطه، شاخه دیگری هم وجود داشت که مبلغ الحاد صریح نبود و آراء مدرنیستی خود را در چارچوب روشنفکری التقاطی ترویج می کرد. طالبوف یکی از چهره های مهم کاست روشنفکری ایران و همچنین یکی از نویسندگان رمانواره های این دوره است.

او گرایش های لیبرالیستی و سوسیال دموکراتیک را نمایندگی می کرد؛ در حالی که صراحتاً به نفی اسلام و دین نمی پرداخت و ظاهراً به برخی از باورهای دینی اعتقاد داشته و پای بند مناسک نیز بوده است، اما به دلیل جوهر اندیشه خود، تفسیری غیر اصیل ناسیونالیستی و مبتنی بر مفروضاتی چون اندیشه مترقی و اصالت مدرنیته، از اسلام و احکام آن ارائه می داد؛ به گونه ای که شیخ فضل الله نوری به تکفیر او پرداخت. طالبوف در آثاری چون ایضاحات و مسائل الحیات به ترویج مفهوم لیبرالی آزادی و تمدن مدرن غربی می پردازد.

نوشته های داستانی او شامل کتاب احمد و مسالک المحسنین است. کتاب احمد یک اثر آموزشی جهت ترویج مفاهیم علوم تجربی و فیزیکی جدید به زبان ساده و در قالبی شبه داستان است که اساس آن بر دیالوگ مؤلف کتاب با فرزند هفت ساله اش احمد قرار دارد. کتاب، نثری ساده دارد و از بار ضعیف داستانی رنج می برد.

طالبوف مدعی است کتاب احمد تحت تاثیر کتاب امیل اثر ژان ژاک روسو است. روسو از نویسندگان عصر روشن گری فرانسه و از بانیان اندیشه

دموکراسی و تعلیم و تربیت مدرن است. بینش حاکم بر کتاب احمد، پوزیتیویسم معرفت شناختی است که از لابلائی توضیحات راوی در خصوص مفاهیم و تئوری های علوم جدید به مخاطب القا می گردد.

اثر اصلی داستانی طالبوف، کتاب مسالک المحسنین است که در مقایسه با کتاب احمد از ساختار داستانی مناسب تری برخوردار است. موضوع مسالک المحسنین، مسافرت علمی چهار جوان آشنا با علوم جدید متشکل از دو مهندس، یک پزشک و یک معلم شیمی به سرپرستی راوی و به ماموریت از یک اداره موهوم به نام اداره جغرافیای مظفری، جهت صعود به قله دماوند است.

این داستان از عنصر حادثه (تقریباً) بی بهره است و بنیان آن بر دیالوگ های شخصیت های داستان استوار است. شخصیت های مختلف داستان، به ویژه محسن - راوی - انعکاسی از ایده ای طالبوف هستند.

او در این کتاب به ستایش از کشورهای اروپایی، به ویژه انگلستان می پردازد و به تبعیت از آخوند زاده و میرزا ملکم خان، سعی در ترویج نظریه اصلاح الفبا می کند و صراحتاً می گوید: «علت عقب ماندگی کشور، الفبای مندرس ما است.»

او مدعی است که احکام شرعی نسبت به زمان او که هیچ، حتی نسبت به صد سال قبل نیز نامناسب است و اگر چه اعتقادات و پایبندی های بسیاری به احکام اسلام دارد، اما اساساً دین اسلام را در پرتو مشهورات و اعتبارات مدرنیستی تعریف می کند.

زین العابدین مراغه ای

مراغه ای از منور الفکران ناسیونالیست و مروج تجدد گرایی در دوران مشروطه است. سیاحت نامه ابراهیم بیگ او که در سه جلد منتشر شده، اصلی ترین اثر داستانی دوره مشروطه به حساب می آید. او می گوید: «غرض از نگارش سیاحت نامه همین بود که افکار بیدار شود.»

ابراهیم - شخصیت اصلی داستان - پسر یک بازرگان ایرانی است که از تجارت در مصر ثروتی اندوخته است. پدر، فرزند خود را سفارش به آموختن از طریق سیاحت و سفر می کند. ابراهیم دختری به نام محبوبه را دوست دارد، اما علاقه

طالبوف تبریزی



در دل روشنفکری دوره مشروطه، شاخه دیگری هم وجود داشت که مبلغ الحاد صریح نبود و آراء مدرنیستی خود را در چارچوب روشنفکری التقاطی ترویج می کرد.

آخوندزاده ضمن انتقاد از گلستان سعدی و برخی دیگر از آثار ادبی فارسی، به ستایش از فن درام و رمان می پرداخت و خود را طرفدار رئالیسم می دانست.



مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، ادبیات مدرنیستی ایران فعال و صریح تر از قبل وارد میدان گردید. این دوره با انتشار رمان سه جلدی شمس و طغرا و انتشار روزنامه صور اسرافیل و به صحنه آمدن شاعرانی چون عارف قزوینی، اشرف الدین نسیم شمال و ایرج میرزا آغاز گردید.

در دوره مذکور که می توان آن را دوره «دوم ادبیات مدرن» نامید، شاهد شکل گیری و تکوین رمان نویسی و نیز جریان شعر تجددگرا در صورتی صریح و گسترده هستیم.

ویژگی های دوره دوم ادبیات مشروطه

ادبیات این دوره به صورتی گسترده به طرح درونمایه ها و مشهورات مدرنیستی درباره مفهوم ناسیونالیستی ملت، میهن و پارلمانتاریسم به عنوان یگانه راه نجات کشور می پرداخت. رویکرد آن آشکارا سیاسی و انتقادی بود، اما وجه انتقادی آن عموماً متوجه ارزش ها و مفاهیم دینی و ساختارها و نهادهای معنوی یا سنتی بود.

ادبیات این دوره ژانر رمان تاریخی را برای اولین بار در ایران عرضه کرد و از مرز داستان های دوره قبل فراتر رفت. زبان آثار ادبی این دوره به ویژه در اشعار مطبوعاتی به سمت سادگی میل می کند و دیگر اثری از فضل فروشی های ادیبانه نثر منشآت نویسان و ویژگی های شعر دوره بازگشت نیست.

در این زمان بود که انجمن های ادبی و محفل های روشنفکرانه و بعضاً مرتبط با حزب اجتماعیون - عامیون و حتی سوسیال دموکرات های قفقاز به طور گسترده ای تشکیل شدند و با استفاده از تریبون مطبوعاتی به جریان سازی های ادبی، فرهنگی و سیاسی پرداختند.

رمان های این دوره به لحاظ ساختار ادبی به ژانر رمان نزدیک تر شدند. با مینا قرار دادن آثار داستانی الکساندر دوما و رمان هایی چون ژوف بالسامو و سه

و مهر او به ایران موجب می شود از محبوبه دور شده و به سیاحت و سفر پردازد. سیاحت نامه ابراهیم بیگ در جلد اول مضمون صریح انتقادی اجتماعی و سیاسی دارد، اما در جلد دوم و سوم به مایه های عاشقانه و تصاویر فانتزی شبیه سوررئال نزدیک می گردد. مراغه ای مثل دیگر روشنفکران هم دوره خود گمان می کرد راه غلبه بر مفسد و انحطاط عصر قاجاری، در پیش گرفتن طریق تجددگرایی است و آشکارا مخاطبان را به پیروی از ناسیونالیسم و لیبرالیسم دعوت می کرد.

مراغه ای به شیوه دیگر منورالفکران تحت لوای مخالفت با خرافات، به تخطئه موجودیت علما و ماهیت آن می پردازد: «الآ در ایران، در هیچ گوشه دنیا رؤسای روحانی به امور سیاسی مداخله ندارند. در هیچ نقطه روی زمین مقامات متبرک و خانه های علما و آخورهای بزرگان، مأمن و ملجأ مردمان دزد و دغل و خونی نیست، مگر در ایران.»

نثر ساده مراغه ای در سیاحت نامه را می توان برجسته ترین وجه آن دانست.

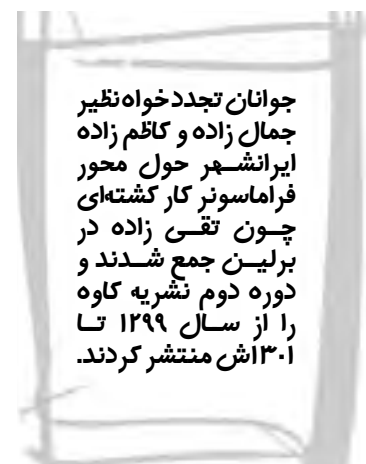
محمد علی سیاح

سفرنامه حاج سیاح، نوشته محمد علی سیاح است. او روستا زاده ای بود که پس از آموختن اندکی از دروس حوزه، میل به سفر و جهانگردی پیدا کرد و به بسیاری از شهرهای اروپا و هند و عثمانی سفر کرد. حاج سیاح با برخی روشنفکران آن دوره و نیز بعضی از شاهزادگان تجددگرای قاجاری و همچنین با شاهزاده سنگدل ظل السلطان در ارتباط بود.

حاج سیاح اگر چه الحاد آشکار و مغرضانه ای نداشت، اما با تجدد طلبان و جریان مدرنیستی ایران همسو و همراه بود. سیاح در بخش هایی از اثر خود به ستایش چهره های ناسیونالیست اروپایی نظیر گاریبالدی می پردازد و در ستایش از مردم انگلیس صراحتاً می گوید: «ما باید انسانیت و مال بینی را از انگلیسی ها بیاموزیم.» سیاح، نثر جذابی دارد و کثرت و تنوع مشاهدات و ماجراهایی که از تجربیات او برخاسته است، خواندنی شدن کتاب را باعث شده است.

ادبیات مشروطه

با فعال شدن مطبوعات پس از اعلام فرمان





**حاج سیاح اگر چه الحاد
آشکار و مغرضانه‌ای
نداشت، اما با تجدد طلبان
و جریان مدرنیستی
ایران همسو و همراه
بود. سیاح در بخش‌هایی
از اثر خود به ستایش
چهره‌های ناسیونالیست
اروپایی نظیر گاریبالدی
می‌پردازد.**



شیدایی و مجذوبانه است که آشکارا پرده از تمایلات مدرنیستی نویسنده برمی‌گیرد. خسروی در این اثر عناد یا اهانت صریحی نسبت به دین اسلام و شوؤنات و شعائر آن روا نمی‌دارد و اندیشه ناسیونالیستی او به گونه‌ای صراحتاً ضد دینی مطرح نمی‌گردد. او در بخشی از داستان، قهرمان خود را به یونان می‌برد و به ستایش از دموکراسی برده داری یونان به عنوان مهد تمدنی غرب می‌پردازد. نویسنده، این رمان را در سال‌های پر تنش نهضت مشروطه و پیامدهای پس از آن نوشته است. جلد اول شمس و طغرا، جلد دوم ماری ونیزی و جلد سوم طغرل و همای نام دارد.

عشق و سلطنت

عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر، نوشته موسی دستجردی معروف به موسی نثری همدانی است. او روزنامه‌نگار و داستان‌نویس و از اهالی بخش کبودرآهنگ همدان بود و سال ۱۲۷۸ ش به جمع منور الفکران مشهور به انجمن آزادی خواهان همدان پیوست. نثری به دلیل تمایلات مدرنیستی‌اش مورد توجه رژیم رضاخان قرار گرفت و سال‌ها رئیس اداره معارف شهرهای همدان، کرمانشاه، کردستان و قزوین بود. او مقالات متعددی در ترویج آراء ناسیونالیستی در مطبوعات آن زمان به رشته تحریر در آورد. نثری همدانی عشق و سلطنت را در سال ۱۳۳۴ ق نگاشت و در سال ۱۳۳۷ ق (۱۲۹۶ ش) جلد اول آن را منتشر کرد. جلد اول با نام عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش در وجه غالب خود، رمانی تاریخی است و ظاهراً دستمایه اصلی قصه از افسانه سرایی‌های هرودوت، مورخ یونان باستان گرفته شده است. دو جلد دیگر با نام‌های ستاره لیدی و شاهزاده خانم بابلی منتشر گردیده است. در حالی که ستاره لیدی رمانی نیمه تاریخی - نیمه عاشقانه است، اساساً شاهزاده خانم بابلی مایه‌های افراطی عاشقانه و ساختاری مغشوش دارد. این رمان به شدت درونمایه ناسیونالیستی دارد و به اسطوره سازی از شخصیت کوروش هخامنشی می‌پردازد و او را همچون یک لیبرال - ناسیونالیست قرن بیستمی تصویر می‌کند. دیگر شخصیت‌های اصلی رمان نیز - سیاکزار و هرمز - که همگی از شاهزادگان ایرانی هستند،

تفنگدار و کنت مونت کریستو، می‌توان آثار چمن شمس و طغرا، عشق و سلطنت و دام گستران را نمونه‌ای از رمان‌های تقلیدی از رمانتیسیم نیمه اول قرن نوزدهم اروپا دانست. اگر چه حوادث و روایت داستانی رمان‌های این دوره در ادوار پیشین تاریخ ایران می‌گذرد، اما روح کلی حاکم بر رفتار و قضاوت‌ها و اندیشه‌های اشخاص داستانی، متأثر از ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی مدرنیسم است و این به لحاظ ساختار داستانی، ضعفی اساسی و عمده به شمار می‌آید.

شمس و طغرا

نویسنده این داستان سه جلدی، محمد باقر میرزا کرمانشاهی، متخلص به خسروی است. او از نوادگان فتحعلی شاه قاجار و فردی دارای تمایلات غربزدگی معتدل، مشروطه‌خواه و از طرفداران آزادی خواهی مدرن و ناسیونالیسم تقلیدی بود. شمس و طغرا رمانی عاشقانه و دارای خصایص رمانس‌های قرون وسطایی است و بر پس زمینه‌ای از تاریخ دوره ایلخانان مغول و قرون هفتم و هشتم روایت می‌گردد. زمان وقوع حوادث جلد اول، سال‌های حکومت آبش خاتون آخرین اتابک سلغری فارس و در شهر شیراز است. البته به تبع سیر داستان و حوادث آن، برخی وقایع در شهرهای کرمان، ساوه، گیلان، آتن، دمشق و بغداد نیز رخ می‌دهد. شخصیت ماری ونیزی در جلد دوم بیانگر درک غرب‌گرای نویسنده و مجذوبیت وی نسبت به مظاهر تمدن غربی است: گفت‌وگویی بین ماری ونیزی و قهرمان داستان در می‌گیرد، توصیفات ماری ونیزی از تمدن و نظام سیاسی در غرب - که مربوط به دوران مدرنیته و پس از رنسانس است و با زمان وقوع داستان همخوانی ندارد - به گونه‌ای جذاب و ایده‌آلی روایت شده و واکنش قهرمان داستان به گونه‌ای



نهضت اصلاح دینی در ایران با توجه به هرج و مرج فکری و فرهنگی منورالفکران و تاثیر شدید اغراض سیاسی در آنان و عدم خودآگاهی نسبت به ماهیت اصیل دین و تفکر غربی، نتوانست در مسیری که روشنفکران غربی آن را تجربه کرده بودند، قرار گیرد؛ در نتیجه، رنسانس غربی با تمام ویژگی های گوناگون و تلقی فکری جدیدش، در ایران تحقق نیافت.

صنعتی زاده در این زمان شدیداً گرایش مدرنیستی و سکولار دارد؛ روحانیون را مورد حمله شدید قرار داده و آنان را عامل زوال استقلال وطن می‌داند؛ اگر چه توصیف نویسنده ظاهراً از موبدان زرتشتی است، اما لحن او جنبه کلی و فراگیر دارد

مراتبی از شوکت و عظمت کوروش را در خود ظاهر می‌سازند.

چهره‌ای که نشری همدانی از کوروش می‌سازد، تصویر منجی ناسیونالیستی است که روشنفکران ایرانی از آخوند زاده و میرزا ملکم تا تقی زاده و فروغی در آرزوی ظهور آن بوده‌اند تا رویکرد غرب‌زدگی مدرن را تحت لوای ناسیونالیسم باستان‌گرا در ایران حاکم نماید. این رمان بازتاب خواست جریان روشنفکری ناسیونال - لیبرال و ناسیونال - سلطنت طلب ایران آن دوران است. او در جایی دیگر از رمان به ستایش از بی‌حجابی زنان و زندگی مردم غرب می‌پردازد؛ از سلولون قانون‌گذار باستانی یونان نام می‌برد و به ستایش او می‌پردازد. نویسنده نگرش منفی خود را نسبت به حکومت دینی در قالب انتقاد از حکومت مغان ابراز می‌کند. موسی نشری همدانی از منظر گرایش فکری در زمره طرفداران مدرنیسم میانه رو قرار می‌گیرد. رمان عشق و سلطنت بر پایه روایت دانای کل نگارش یافته و در نقاط مختلف اثر، حضور و دخالت نویسنده آشکار است.

داستان باستان

داستان باستان یا سرگذشت کوروش تالیف محمد حسن خان شیرازی نصرت‌الوزرا معروف به محمد حسن خان بدیع در سال ۱۲۹۹ شمسی - و یک سال قبل از پایان مقطع اصلی ادبیات مشروطه که از سال ۱۲۸۴ ش آغاز گردیده بود - منتشر گردید.

بدیع از ایرانیان ساکن عراق بود که در سال ۱۲۵۱ ش در کاظمین به دنیا آمد. او سی و چهار ساله بود که نهضت مشروطه شکل گرفت و به جریان روشنفکری مدرنیست ایران پیوست. محمد حسن خان تحت تاثیر آرا و مشهورات تجدد مآبانه در اوایل مشروطیت جمعیت ایرانیان را در بصره تشکیل داد و به انتشار اشعار ناسیونالیستی و مقالات تجدد طلبانه در نشریه جبل‌المتین پرداخت. همچنین از او ترجمه ای از یک رمان فرانسوی و چند اثر دیگر به جای مانده است. داستان باستان، شرح تولد و نشو و نماي کوروش هخامنشی و ماجرای رسیدن او به پادشاهی - بر اساس داستان سرایی‌های هرودوت که امروز دیگر مشخص شده که بی پایه و اساس است - و شکست آزی‌دهاک،

واپسین پادشاه قوم ماد و ماجراهای پس از آن می‌باشد که با برخی قصه‌ها و شخصیت‌های شاهنامه همانند سازی شده است. زمان آغاز رمان، هنگام تولد کوروش است که با شخصیت کیخسرو در شاهنامه آمیخته شده است و تا سی سال از عمر و مقطعی از دوره سلطنت او را در بر می‌گیرد.

در بخش‌های مختلف این اثر ستایش ناسیونالیستی از ایران و به ویژه ایران باستان موجود است. جالب این است که آراء مدرنیستی نویسنده درباره مشروعیت مردمی حکومت و یا حاکمیت قانون - که در مقطع مشروطه و مدتی پس از آن به عنوان دستاویزی جهت نفی نفوذ و محوریت شریعت اسلام عنوان می‌گردید - و دفاع از رویکرد لیبرالیستی تجارت آزاد، از زبان شخصیت‌هایی چون کیخسرو و کیکاوس مطرح می‌گردد.

رمان داستان باستان مملو از توصیف - صحنه‌های بزم و عشرت است که البته از وجه روایی پررنگ و قدرتمندی برخوردار است. در ساختار کلی اثر، انبوهی از حوادث متعدد و بی‌شمار و حتی غیر منطقی وجود دارد. همچنین در جای جای آن دخالت آشکار و صریح نویسنده دیده می‌شود.

مشابه این دوره، نویسنده استفاده گسترده‌ای از عنصر گفت و گو برای تداوم روایت داستان می‌کند و در بسیاری از موارد اساساً تداوم داستان از طریق گفت‌وگوهای متعدد و طولانی دنبال می‌گردد. در این اثر همچنین به صورتی اغراق آمیز از عنصر تشبیه، به ویژه برای توصیف عظمت لشکر ایرانیان باستان استفاده شده است. به نظر می‌رسد داستان باستان در مقایسه با عشق و سلطنت از اغلاط دستوری کمتری برخوردار است.

دقیقاً در همین دوره جوانان تجدد خواه نظیر جمال‌زاده و کاظم‌زاده ایرانشهر حول محور فراماسونر کار کشته‌ای چون تقی‌زاده در برلین جمع

شدند و دوره دوم نشریه کاوه را از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۱ش منتشر کردند و کمی بعد، نشریات ایرانشهر، سپس و فرنگستان و پارس به آنها ملحق شدند. این نشریات مبلغ مستقیم مدرنیسم با محوریت ناسیونالیسم باستان‌گرا بودند.

دام گستران

عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی - متوفی سال ۱۳۵۲ ش - بازرگانی ثروتمند و تجدید خواه بود. او در سال‌های جوانی، تحت تاثیر آراء روشنفکر سکولار دوره مشروطه، میرزا آقاخان کرمانی قرار گرفت. اثر معروف او در دوره دوم ادبیات مدرنیستی ایران، دام گستران یا انتقام خواهان مزدک نام دارد که در دو جلد منتشر شده است.

موضوع داستان، وضعیت به هم ریخته و انحطاط فراگیر آخرین سال‌های سلطنت ساسانیان و یزدگرد سوم در سال‌های ۶۳۴ تا ۶۵۲ میلادی است. حوادث داستان عمدتاً در شهرهای جلولا، ری، نهاوند، قادسیه، مرو و مدینه رخ می‌دهد. در این اثر فضای پر از دسیسه، توطئه و روابط ناسالم، توطئه آمیز و برخی وقایع عاشقانه تصویر می‌شود.

طرح داستانی دام گستران را می‌توان این گونه توصیف کرد: یزدگرد ساسانی از دعوت خلیفه مسلمانان نگران می‌شود و با آگاهی از نفوذ تشکیلات مزدکیان در دربار، بر شدت اضطراب او افزوده می‌شود. او برای محافظت از خود قصری مخفی می‌سازد و سازندگان قصر را به منظور مخفی ماندن راز آن به قتل می‌رساند. رئیس تشکیلات مزدکیان، دختر زیبایی را که پدرش به دست یزدگرد اعدام شد، به عنوان معشوقه و لیبعهد به دربار می‌فرستد و بدین سان و لیبعهد را از یزدگرد جدا می‌کند...

در لابلای صفحات و نحوه توصیفات صنعتی زاده، رویکرد مدرنیستی او تدریجاً ظاهر می‌گردد. او مسیر حوادث و سیر دیالوگ‌های

داستان را به گونه‌ای پیش می‌برد که مخاطب احساس می‌کند گویا مزدکیان به طور غیر مستقیم همکار و همراه اعراب مسلمان بوده‌اند و زمینه‌های شکست ساسانیان از سپاه مسلمانان توسط آنها فراهم شده است. اگر چه صنعتی زاده در توصیفات خود به عمق انحطاط ویرانگر رژیم ساسانیان اشاره می‌کند، اما رویکرد ناسیونالیستی حاکم بر اندیشه نویسنده، او را وادار می‌کند تا با ترسیم تصویری وحشی و وهن آلود از اعراب مسلمان و شایعه آتش زدن کتابخانه سلطنتی ساسانیان توسط مسلمانان - که مورخان غربی نظیر ویل دورانت آن را مردود دانسته‌اند - حس همراهی و همدلی رژیم ساسانیان را در خواننده ایجاد نماید. صنعتی زاده در این رمان شدیداً گرایش مدرنیستی و سکولار دارد؛ روحانیون را مورد حمله شدید قرار داده و آنان را عامل زوال استقلال وطن می‌داند؛ اگر چه توصیف نویسنده ظاهراً از موبدان زرتشتی است، اما لحن او جنبه کلی و فراگیر دارد و جهان بینی مدرنیستی حاکم بر داستان بر این احتمال می‌افزاید که غرض اصلی، ترویج روحانیت ستیزی معطوف به شرایط ایران در آستانه کودتای رضاخان بوده است.

او در بخش دیگری از رمان با بیانی تمثیل گونه، سمت غربی شهر را زیبا، با شکوه و مرفه و سمت شرقی را محله بینویان و صیادان معرفی می‌کند. در صفحات آغازین رمان، ظهور اسلام را به نائره عالم سوز تشبیه می‌کند؛ در صفحات بعد در توصیف سپاه مسلمانان تعبیری چون هیولای غریب، طوایف وحشی و وحشیان بیابانگرد را به کار می‌گیرد و در جایی دیگر می‌نویسد: «سپاه مسلمانان بدون آن که ذره‌ای به شرافت انسانی پی برده باشند، منتظر آن بودند که چون جنگ مغلوبه شد، مشغول چپاول و قتل نفس و بی ناموسی شوند و از ظلم و تعدی نسبت به اخلاف سیروس و کیخسرو کوتاهی نورزند.»

سخن گفتن درباره سپاهیان که برخی از آنها در رکاب حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - شمشیر زده و هنوز زمان درازی از مبدأ وحی فاصله نگرفته بودند، کاملاً خلاف گزارش های تاریخی است. نویسنده در بخشی دیگر صحنه‌هایی دردناک از کشتی اسیران ایرانی در مدینه و یا نقض پیمان توسط مسلمانان



صنعتی زاده در این رمان شدیداً گرایش مدرنیستی و سکولار دارد؛ روحانیون را مورد حمله شدید قرار داده و آنان را عامل زوال استقلال وطن می‌داند؛ اگر چه توصیف نویسنده ظاهراً از موبدان زرتشتی است، اما لحن او جنبه کلی و فراگیر دارد



میزان علاقه صنعتی زاده به ناسیونالیسم شوونیستی به حدی است که تنسر زرتشتی را که نماد سرکوب و نژاد پرستی رژیم ساسانیان است، به عنوان بانی استقلال و عظمت ایران معرفی می‌کند.

برجسته‌ترین وجه آثار روشنفکری عصر مشروطه، ضدیت آشکار با عرب و عربیت و دشمنی پنهان با اسلام و طبقه علما با محوریت و تحت نام نژاد آریایی است.

را تصویر می‌کند و به نقل از یکی از مسلمانان چنین می‌آورد: «هرگاه کسی خواه ایرانی، خواه از ملل دیگر اسیر ما شود، آل او را به آیین اسلام دعوت می‌کنیم. اگر امتناع نمود، سر او را از تنش جدا ساخته و تحفه پیش زن و اطفال می‌فرستیم.»

صنعتی زاده هشت سال پس از انتشار دام گستران و در سال ۱۳۱۲ش داستانی به نام سلحشور را منتشر کرد و

در آن تعلقات ناسیونال - شوونیستی خود را بیشتر بروز داد. او در این رمان که داستان انقراض سلسله اشکانیان و به قدرت رسیدن اردشیر ساسانی است، به نوعی از اشکانیان و ساسانیان را نماد قاجاریه و پهلوی می‌گیرد و به ستایش آن می‌پردازد. با نظر به شرایط و جغرافیای فرهنگی انتشار داستان سلحشور و حال و هوای حاکم بر آن، به روشنی می‌توان دید که ظهور رضاخان و سرنگونی قاجاریه در هیأت ظهور اردشیر ساسانی و انقراض اشکانیان توصیف شده است.

میزان علاقه صنعتی زاده به ناسیونالیسم شوونیستی به حدی است که تنسر زرتشتی را که نماد سرکوب و نژاد پرستی رژیم ساسانیان است، به عنوان بانی استقلال و عظمت ایران معرفی می‌کند. جالب است که رویکرد اردشیر در این داستان نسبت به سلطنت هخامنشی و آئین زرتشت، مبتنی بر تفسیر ناسیونالیستی مورد نظر صنعتی زاده تنظیم شده است.

مجمع دیوانگان، مانی نقاش، فرشته صلح یا فتانه اصفهانی و اتوبیوگرافی‌ای تحت عنوان روزگاری که گذشت، از دیگر آثار اوست.



ادبیات داستانی این دوره نسبت به دوره پیش از مشروطه به لحاظ ساختاری به ژانر رمان و نگارش حرفه‌ای نزدیک‌تر است و ایده‌های سیاسی آن مانند قبل آشکار و با صراحت بیان نمی‌شود.

برجسته‌ترین وجه آثار روشنفکری عصر مشروطه، ضدیت آشکار با عرب و عربیت و دشمنی پنهان با اسلام و طبقه علما با محوریت و تحت نام نژاد آریایی است. قهرمانان این آثار اغلب از میان طبقه اشراف و درباریان انتخاب می‌شدند و از مشکلات اجتماعی، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اثری دیده نمی‌شود.

تبلور عینی ایدئولوژی ناسیونالیسم

شوونیستی در ادبیات، خود را در استبداد خشن و متمرکز رضاخانی عیان کرد و آن رژیم نیز تمام توان تبلیغاتی خود را به تقویت این رویکرد در ادبیات داستانی معطوف ساخت.

نهضت اصلاح دینی در ایران با توجه به هرج و مرج فکری و فرهنگی منورالفکران و تأثیر شدید اغراض سیاسی در آنان و عدم خودآگاهی نسبت به ماهیت اصیل دین و تفکر غربی، نتوانست در مسیری که روشنفکران غربی آن را تجربه کرده بودند، قرار گیرد؛ در نتیجه، رنسانس غربی با تمام ویژگی‌های گوناگون و تلقی فکری جدیدش در ایران تحقق نیافت.

منابع:

- آخوندزاده، فتحعلی، سه نمایشنامه و یک حکایت، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۷
- آزین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۱ و ۲، تهران، کتاب های جیبی، ۱۳۵۷
- الگار، حامد، میرزا ملکم خان، ترجمه جهانگیر عظیمی، تهران، مدرس، ۱۳۷۰
- خسروی، محمد باقر، شمس و طغره، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۵
- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸
- زرشناس، شهریار، ادبیات معاصر ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳
- سیاح، محمد علی، سفر نامه حاج سیاح، تهران، سخن، ۱۳۷۸
- صنعتی زاده، عبدالحسین، دام گستران یا انتقام خواهان مزدک، بمبئی، مطبعه شرافت، ۱۳۳۷
- طالبوف، عبدالرحیم، مسالک المحسنین، تهران، شادگان، ۱۳۷۹
- طبری، احسان، کژ راه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶
- مدد پور، محمد، سیر تفکر معاصر، تهران، تربیت، ۱۳۷۲
- مراغه‌ای، زین العابدین، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، تهران، هژیر، ۱۳۷۸
- میلائی، عباس، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران اختران، ۱۳۸۲
- نثری همدانی، موسی، عشق و سلطنت، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۷

پی‌نوشت‌ها:

۱. Caste، گونه‌ای از طبقه و پایگاه اجتماعی.
۲. منتشر شده در استانبول به سال ۱۳۱۲ ق.
۳. منتشر شده در قاهره به سال ۱۳۲۳ ق.
۴. سیاحت نامه ابراهیم بیگ، ص ۱۲۷.
۵. دام گستران، ج ۲، ص ۱۰۷.